



۴+

اگر انزوا و خودمداری گفت‌وگوی درونی را در یک سو، ترس و وحشت عرصهٔ عمومی را در سوی دیگر از یک طیف ببینیم به زعم آرنست دوستی در میانهٔ این طیف قرار می‌گیرد. دوستی حوزه‌ای محفوظ است که می‌توان در آن نظرات را طرح، اصلاح و تقویت کرد

درنگی بر «دوستی» در دنیای هانا آرنست

مجال یک گفت‌وگوی راستین



شیرین کریمی
مترجم و پژوهشگر

هانا آرنست، اندیشمند سیاسی، همان قدر که عاشق سیگارکشیدن بود، عاشق دوستانش هم بود. آرنست تا پیش از رسیدن به امریکا ناامنی و آوارگی را از سر گذراند و در دل وقایعی قرار گرفت که دهشت آنها جهان را تکان داد. در این مسیر دشوار، آرنست «دوستی» را به‌منزلهٔ راهکاری برای زیستن رضایت‌بخش و سالم انتخاب کرد. بسیاری از دوستان نزدیک آرنست پناهندگانی بودند که از دست

و سیاسی هم بود. انتقاد آرنست از صهیونیسم در سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۸ به اتهامات تندوتیز گروم شولم علیه آرنست منجر شد، شولم آرنست را «سنگ‌دل» خواند و او را متهم کرد «عشق به یهودیان» را نمی‌شناسد و مردم خود را دوست ندارد. آرنست به شولم جواب داد: «کاملاً درست می‌گویید. عشقی از این سنخ مرا به هیجان نمی‌انگیزاند... من در طول زندگی‌ام هیچ‌گاه مردم یا گروهی از مردم را «دوست نداشته‌ام»، نه فرانسوی‌ها، نه آلمانی‌ها، نه آمریکایی‌ها، نه طبقهٔ کارگر و نه امثال این‌ها. در واقع، من «فقط» دوستانم را دوست می‌دارم و تنها عشقی که می‌شناسم و بدان باور دارم عشق به اشخاص است... از آنجا که خودم یهودی‌ام به نفس مفهوم «دوست داشتن یهودیان» تاندازه‌ای بدگمانم.»

اگر انزوا و خودمداری گفت‌وگوی درونی را در یک سو، ترس و وحشت

نازی‌ها قرار کرده بودند. در سال ۱۹۳۳ وقتی آرنست از آلمان فرار کرد، یاس عمیقش به خاطر سازش و همکاری بسیاری از دوستان و آشنایانش با نازی‌ها بود.

در سال ۱۹۶۳ وقتی آیشمن در اورشلیم به شکل مقاله‌ای پنج بخشی در نیویورکر منتشر شد، آرنست متهم شد که آیشمن را تبرئه کرده است و کاری کرده که آیشمن بیش از قربانیان یهودی او به چشم بیاید. بسیاری از سبک نوشتاری طعنه‌آمیز آرنست رنجیدند، او را به «گستاخی» و «بدخواهی» متهم کردند. حتی تلاش‌هایی برای جلوگیری از انتشار کتاب او صورت گرفت. چند تن از دوستان قدیمی و نزدیک آرنست روابطشان را با او قطع کردند و این قطع ارتباط اندوه فراوانی برای آرنست به‌دنبال داشت.

نزد آرنست همنشینی با دوستان همان‌قدر که شخصی بود معترضانه

هم‌کلاسی شدن؛ سنت جدید رفاقت در ایران

درخت دوستی مدرسه



محمد زینالی آناری
پژوهشگر فرهنگ عامه

دوستی یک فرایند اجتماعی است که در رابطه‌ها شکل می‌گیرد. در جامعه سنتی ما که پیش‌تر بر جمعیت‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای استوار بوده، روابط اجتماعی مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی بود. هنگامی که مدرنیته با خیابان ساخت شهرهای مالک‌نشین را به هم زد، این ساختار به‌طور کامل فرو پاشید. در بستر طولانی تاریخ اجتماعی فراتر از ساختار خویشاوندی وجود داشته و حلقه‌های پراکنده‌ای از جوانمردان و اصناف شکل گرفته است، اما دوران جدید با تولد یک نهاد اجتماعی همگانی زیربنای دوستی مدرن را بنا کرد.

در دوره جدید، مدرسه‌ها شکل گرفته و از عامه مردم هویتی جدید و شخصیتی جدید ساختند. مدرسه بازتولید سابق نظام اجتماعی را به هم زده و جامعه را از تکثیر مجدد والدین در قالب فرزندان باز داشت. اینک مدرسه شخصیت‌های جدیدی بر می‌ساخت که بر اساس تجربه‌های دانش‌آموزی هویت جدیدی در نهاد انسان معاصر تأسیس می‌کرد. این نهاد تازه تأسیس، اسطوره جدیدی از روابط افقی تحت عنوان هم‌کلاسی یا «هم‌شاگردی» را در میان جامعه ایرانی شکل داد که اینک فرایند جدیدی از تعاملات اجتماعی را رقم می‌زند. تفاوت هم‌کلاس‌های جدید با حلقه‌های سابق این بود که نه به‌طور پراکنده و تاریخی که در درون ساختار رسمی و به‌عنوان مناسک همگانی‌گذار اجتماعی شکل می‌گرفت. هم‌کلاسی شدن، سنت جدید دوستی در ایران بود که نه صرفاً به دوستی بلکه به بنیان نهادن نهادهای جدید دوستی انجامید. مدرسه، الگوی دیگری از انسان را برای انسان معاصر ایرانی آشنا کرد. برای ما که در بطن فامیل و خویشاوند زیست می‌کردیم، اهل قبیله دیگری را در کنار ما نشانده و رابطه جدیدی در دل هم‌کلاسی و هم‌شاگردی خلق کرد. برای معاصران که زنگ تفریح به یادشان است، دقایقی در مدرسه بود که فرصت بازی و ارتباط همدلانه میان کودکان ایجاد می‌کرد و این دقایق، بسیار بیش از ساعات آموزشی در اجتماعی شدن شخصیت نوجوانان ارزشمند بودند. در بازی‌های به ظاهر ساده زنگ تفریح، مفاهیم متعالی مانند عدالت و آزادی در حین تعامل میان فرزندان اقشار مختلف مشق می‌شد.



در رابطه دوستانه هم‌کلاسی‌ها، نوعی برابری و راحتی وجود دارد که مختص روابط جدید و دوستانه است و این باعث شده اشخاص گرایش بیشتری به پایداری روابط در برابر روابط اجباری مدرسه و کار داشته باشند.

همین است که مفهوم و معنای «دوست قدیمی»، دوست صمیمی و ارزش کهنگی دوستی را می‌دهد. به‌همین صورت دوستی که مدت‌ها در ادبیات مردانه مانند آیین جوانمردی درباره آن صحبت می‌شد، ارزشی فراتر از برادر پیدا کرد: «رفیق خوب نزدیک‌تر از برادر است!»

از آنچه گفته شد دوستی با رابطه افقی میان اعضای جامعه، پیامد نظام تربیتی جدید است، نظامی که به همگان امکان روابط غیرخویشاوندی و آزاد می‌دهد تا بتوانند برابری و برابری با دیگران ارتباط، تعامل، همفکری و همکاری داشته باشند. از این رو می‌توان گفت نظام جدید، مبتنی بر دوستی بوده و هر سازه دیگری از آن را با خود ناسازگار خواهد دانست. اگر در گذشته بر تنبیه و اجبار در نظام آموزشی اصرار بود و با اعتراضات به چوب‌های الف مشکل ساز شد، اینک معلم هم از در بازی و دوستی برای تدریس وارد می‌شود. لذا اگر روابط دیکته شده و عمودی را که محصول دیرپای نظام ارباب رعیتی پیشین بود، در برابر روابط دوستانه و افقی نظام تربیتی معاصر قرار دهیم، می‌توانیم بگوییم که - اگرچه هنوز راه درازی باقی است - در جامعه فعلی روش عمل به وصیت پیشینیان به طور همگانی آموخته شده است: «درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد/ نهال دشمنی بر کن که رنج بی‌شمار آرد!»

راه دوستی از زنگ تفریح شروع شده و در خیابان‌ها و متعلقاتش تداوم می‌یابد؛ هر جایی که دانش‌آموزان می‌توانستند با هم گل کوچک بازی کنند، با هم صحبت کنند و حتی در دوران دبیرستان به کافه و سینما بروند. سپس خرده سیستم‌های دوستی در دل محفل‌ها، کافه‌ها، انجمن‌ها و... تحت عنوان هم‌دوره، رفیق، هم‌نشین و... گل کرده و به سایر عرصه‌ها هم می‌رسید. آنچه ما شاهد آن بودیم، حضور انسان ایرانی در این نهادها، بتدریج از نیمه اول قرن شمس و از قامت رعیت و لوطی به شکل هم‌کلاسی‌ها، همفکران و تحولات کلان ناشی از آن گذر کرد. عمر این نهاد یا درخت دوستی به‌صد سال نمی‌رسد و در این ماجرا دوستی از محفل‌های اتفاقی و نخه‌گرا به عامه مردم مدرسه دیده منتشر شده است. اینک جامعه نه مختص قبایل، طوایف، اصناف که شامل دوستان نیز شده بود، دوستانی که می‌توانستند علیه برخی نهب‌های مدرسه مانند چوب الف بشورند.

در این شکل از رابطه، نوعی برابری و راحتی وجود دارد که مختص روابط جدید و دوستانه است و این باعث شده اشخاص گرایش بیشتری به پایداری روابط در برابر روابط اجباری مدرسه و کار داشته باشند. به‌همین خاطر همین روابط پایدار و مسالمت‌جو، بتدریج در جامعه ایرانی از خلال نسل‌های جدید تقویت شده و توأم با ورود به جامعه بزرگسالی به اشتراک گذاشته می‌شوند.